

بررسی مفهوم زیباشناسی سکونت از دیدگاه هایدگر در معماری خانه‌های مسکونی یزد  
شهره محمدعلیزاده<sup>۱</sup>، مهسامیرسلامی<sup>۲</sup>، الهه السادات هاشمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۱۸

### چکیده

زیباشناسی در اندیشه مارتین هایدگر گسستی بنیادین از تلقی‌های سنتی مبتنی بر سوژکتیویسم و ذوق فردی ایجاد می‌کند و با پیوند دادن هنر و زیبایی به مسئله هستی، افق تازه‌ای در فهم اثر هنری می‌گشاید. هدف این پژوهش تبیین مؤلفه‌های اصلی زیباشناسی از دیدگاه هایدگر و بررسی جایگاه هنر به‌عنوان نحوه‌ای از انکشاف حقیقت هستی است. روش تحقیق از نوع کیفی و مبتنی بر رویکرد تحلیلی-تفسیری است که با استفاده از مطالعه‌ی متون اصلی هایدگر، به‌ویژه هستی و زمان، سرچشمه اثر هنری و دیگر آثار مرتبط، و همچنین منابع تفسیری معتبر انجام شده‌است. داده‌ها از طریق فیش‌برداری مفهومی گردآوری و با رویکرد هرمنوتیکی تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هایدگر زیبایی را نه به‌عنوان ویژگی صوری یا امری وابسته به ادراک ذهنی، بلکه به‌مثابه حاصل «پدیدارشدن حقیقت» در اثر هنری تفسیر می‌کند. در این چارچوب، هنر محل ستیز و تنش میان «جهان» و «زمین» است و اثر هنری با گشودن عالمی معنادار، امکان سکونت انسان در هستی را فراهم می‌سازد. از منظر هایدگر، زیبایی نتیجه این گشودگی هستی‌شناختی است و نه هدف یا معیار نهایی هنر. همچنین، پژوهش نشان می‌دهد که زیباشناسی هایدگر با نقد متافیزیک کلاسیک و انسان‌محوری مدرن، به فهمی وجودی از تجربه زیبایی منتهی می‌شود. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که زیباشناسی هایدگر الگویی بنیادین برای بازاندیشی در مفهوم هنر و زیبایی ارائه می‌دهد که می‌تواند در حوزه‌هایی چون معماری، سکونت، و هنرهای معاصر الهام‌بخش باشد. این رویکرد، زیبایی را در پیوندی عمیق با حقیقت، مکان و شیوه بودن انسان در جهان تعریف می‌کند و از این رهگذر، افق تازه‌ای برای پژوهش‌های میان رشته‌ای در فلسفه و هنر می‌گشاید.

**کلمات کلیدی:** زیباشناسی سکونت، مارتین هایدگر، سکونت شاعرانه، مکان‌مندی، پدیدارشناسی معمار

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی عمران و معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رجا، قزوین، ایران

۲. استادیار گروه مهندسی عمران و معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رجا، قزوین، ایران

۳. استادیار گروه مهندسی عمران و معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رجا، قزوین، ایران

## ۱. مقدمه

در سال های اخیر، پژوهش ها با تکیه بر اندیشه های هایدگر، مفاهیم زیبایی شناسی در معماری معاصر را بازنگری کرده اند. این مطالعات پیوندی میان بودن در جهان و طراحی فضاهای معنادار نشان می دهد و بر اهمیت خلق مکان هایی اصیل و انسانی تأکید دارد. ادامه چند تا از نظرات نظریه پردازان رو مورد بررسی قرار می دهیم هایدگر سکونت را نه یک وضعیت فیزیکی، بلکه شیوه بنیادین بودن انسان در جهان می داند. از نظر او، معماری و فضا زمانی واجد زیبایی اند که امکان سکونت اصیل را فراهم کنند؛ سکونتی که در آن نسبت میان انسان، زمین، آسمان، دیگری و امر قدسی برقرار شود. زیبایی در این چارچوب، نتیجه هماهنگی با حقیقت هستی است، نه حاصل فرم یا دآوری ذوقی (هایدگر، ۱۳۹۷). سرچشمه اثر هنری. ترجمه فتح الله مجتبیایی. تهران: نشر مرکز. مبنای فهم زیباشناسی غیرسوئزکتیویستی، نوربرگ-شولتز با الهام از هایدگر، سکونت را فرایند «معنادار کردن مکان» می داند. از منظر او، زیبایی سکونت زمانی محقق می شود که معماری بتواند روح مکان را آشکار کند و حس تعلق، هویت و جهت یابی وجودی را برای انسان فراهم آورد. مفهوم سکونت. ترجمه علیرضا عقلی. تهران: فکر نو. باشلار زیبایی سکونت را در تجربه درونی، خیال پردازانه و شاعرانه فضا جست و جو می کند. خانه نزد او مکانی برای خاطره، رؤیا و امنیت وجودی است و زیباشناسی آن نه از فرم بیرونی، بلکه از عمق تجربه زیسته شکل می گیرد (باشلار، ۱۳۹۸). بوطیقای فضا. ترجمه احمد اخلاقی. تهران: نشر مرکز. یکی از اصلی ترین منابع زیباشناسی سکونت در پژوهش های معماری ایران.

سوال اینجاست مفهوم سکونت در فلسفه ی هایدگر چه ارتباطی با درک زیباشناسی در معماری دارد؟ در اندیشه ی متأخر مارتین هایدگر، «سکونت» مفهومی وجودی است که به نحوه ی بودن انسان در جهان اشاره دارد و این مفهوم مستقیماً با درک زیباشناسی در معماری پیوند می خورد. از این منظر، زیبایی معماری نه حاصل فرم های صوری یا دآوری های سلیقه ای، بلکه نتیجه ی فراهم آوردن امکان «سکونت اصیل» است؛ یعنی وضعیتی که در آن انسان بتواند نسبت معناداری با مکان، طبیعت، زمان مندی و دیگران برقرار کند. پژوهش های معاصر در حوزه ی پدیدارشناسی معماری نشان می دهند که زیباشناسی فضا در سنت هایدگری، از تجربه ی زیسته، حس مکان و امکان در-جهان-بودن نشئت می گیرد و بنا زمانی زیبا تلقی می شود که بتواند این تجربه ی سکونت مند را تقویت کند، نه صرفاً واجد کیفیت های بصری یا فرمال باشد (چنگیزی و همکاران، ۱۴۰۱).

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

از منظر مارتین هایدگر، سکونت مفهومی فراتر از استقرار فیزیکی انسان در یک مکان یا بهره برداری عملکردی از فضا است؛ بلکه سکونت، نحوه ای بنیادین از بودن انسان در جهان به شمار می آید. در اندیشه او، انسان صرفاً موجودی نیست که در فضا حضور دارد، بلکه موجودی است که نسبت خود را با جهان از طریق سکونت برقرار می کند. هایدگر در نوشتار مشهور «ساختن، سکونت، اندیشیدن» تأکید می کند که نسبت میان ساختن و سکونت، نسبتی ابزاری و خطی نیست؛ بدین معنا که انسان ابتدا نمی سازد تا سپس در آن سکونت کند، بلکه ساختن اصیل زمانی رخ می دهد که از پیش، فهمی از سکونت و بودن در جهان وجود داشته باشد. از این رو، سکونت پیش شرط معنایی ساختن است و معماری زمانی اصالت می یابد که بتواند بستر این سکونت را فراهم سازد.

بر این اساس، زیباشناسی سکونت در اندیشه ی هایدگر نیز از تعریف های متعارف زیبایی که بر صورت، فرم، تناسبات ظاهری یا تزئینات تکیه دارند، فاصله می گیرد. زیبایی در این نگرش، نه کیفیتی الحاقی و صوری، بلکه رخدادی وجودی است که در آن فضا، امکان آشکار شدن معنا، تعلق، آرامش و حضور اصیل انسان را فراهم می آورد. به بیان دیگر، زیبایی معماری نه فقط در آنچه دیده می شود، بلکه در آن چیزی نهفته است که فضا برای زیستن، تجربه کردن و معنا بخشیدن به هستی انسان ممکن می سازد. از این منظر، مکان زمانی زیباست که بتواند حس تعلق، انس، آرامش، خاطره، هویت و پیوند با جهان پیرامون را در انسان برانگیزد. همچنین، درک زیباشناسی سکونت از دیدگاه هایدگر، افق تازه ای برای نقد معماری معاصر می گشاید. بسیاری از فضاهای امروزی، اگرچه از نظر فناوری، کارایی و ظاهر بصری پیشرفته اند، اما لزوماً امکان سکونت اصیل را برای انسان فراهم نمی کنند؛ زیرا در آن ها فضا به کالایی مصرفی یا ظرفی خنثی برای انجام عملکردها تقلیل یافته است. در مقابل، معماری ای که با الهام از اندیشه ی هایدگر شکل گیرد، می کوشد مکان را به مثابه عرصه حضور، خاطره، معنا و همزیستی با جهان بازآفرینی کند. در همین راستا، پیشینه پژوهش نشان می دهد که مطالعات انجام شده درباره ی زیباشناسی سکونت از دیدگاه هایدگر، عمدتاً بر تبیین نسبت میان سکونت، مکان، تجربه زیسته و معنای وجودی فضا متمرکز بوده اند. این پژوهش ها هر یک از منظری خاص، به بررسی ابعاد نظری و کاربردی اندیشه ی هایدگر در حوزه معماری پرداخته و تلاش کرده اند نشان دهند که چگونه می توان از مفاهیم فلسفی او برای تحلیل کیفیت فضاهای سکونتی بهره گرفت. بر این اساس، خلاصه ای از مهم ترین مطالعات مرتبط با موضوع، در جدول ۱ ارائه می شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نام مقاله	نام نویسنده	سال انتشار	یافته‌ها
چگونگی مواجهه هایدگر با هنر معماری	مصطفوی	۱۴۰۱	از نظر هایدگر، زیباشناسی از پایان هنر و فلسفه بزرگ در یونان آغاز می‌شود، در مدرنیته با هگل به اوج می‌رسد و با اعلام پایان «هنر بزرگ» تثبیت می‌گردد. او نشان می‌دهد که زیباشناسی همواره هم‌زمان با زوال حقیقت هنر رشد می‌کند و در دوران معاصر به بحران و فروکاهش هنر می‌انجامد.
مفهوم سکونت در اندیشه هایدگر	کریمی و حسینی	۱۴۰۰	هایدگر سکونت را نحوه‌ای از بودن انسان در جهان می‌داند. از نظر او، انسان پیش از آنکه بسازد، باید سکونت بورزد. سکونت به معنای در صلح بودن با جهان و پاسداری از زمین است، نه تصرف و استثمار آن. به باور او، انسان مدرن اگرچه فراوان می‌سازد، اما کمتر سکونت می‌ورزد.
مفهوم زیبایی در فلسفه هایدگر	تامسون	۱۳۹۵	در تفکر کلاسیک، زیبایی اغلب به هماهنگی صوری، لذت حسی یا دآوری ذهنی وابسته است. اما هایدگر با نقد این رویکرد، زیبایی را به مفهوم حقیقت پیوند می‌دهد. در مقاله «خاستگاه اثر هنری»، وی تأکید می‌کند که زیبایی زمانی رخ می‌دهد که حقیقت هستی از پوشیدگی خارج شود بدین ترتیب، زیبایی نه ویژگی ظاهری اثر، بلکه نمود گشایش حقیقت است.
تحلیل مفهوم سکونت فلسفه هایدگر و تأثیر آن بر زیباشناسی معماری	شایگان و قبادیان	۱۳۹۲	در فلسفه هایدگر، زیباشناسی سکونت به عنوان تجربه‌ای وجودی و پدیدارشناختی تبیین می‌شود که از نحوه‌ی بودن انسان در مکان نشئت می‌گیرد. در این رویکرد، سکونت صرفاً اقامت فیزیکی نیست، بلکه شیوه‌ای از در-جهان بودن است که از طریق آن فضا به حامل معنا، تعلق و حضور انسان بدل می‌شود.

## ۲-۱. مبانی نظری

در پژوهش‌های اخیر ایرانی، سکونت در اندیشه هایدگر نه یک مفهوم کالبدی، بلکه شیوه‌ای بنیادین از بودن انسان در جهان تفسیر شده است. این مطالعات تأکید دارند که تقلیل سکونت به کارکرد، فناوری و اقتصاد، موجب زوال معنا و تجربه زیباشناختی در معماری معاصر شده است. سکونت اصیل، از منظر هایدگر، زمانی محقق می‌شود که انسان بتواند نسبت وجودی خود با جهان، مکان و زمان را بازیابد؛ امری که مستقیماً با زیباشناسی فضا پیوند دارد (کریمی و حسینی، ۱۴۰۰). در تفسیرهای معاصر ایرانی، مفهوم «چهارپوش» هایدگر به عنوان چارچوبی برای درک پیوند متقابل انسان، طبیعت و معنا در فضا مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعات بیان می‌کنند که معماری سکونت‌زایی زمانی واجد کیفیت زیباشناختی است که بتواند تعادلی میان زمین، آسمان، الوهیت و فناپذیری انسان برقرار کند؛ تعادلی که در معماری بومی ایران جلوه‌های روشنی دارد (علی‌بیگی و شریفی، ۱۴۰۱).

پژوهش‌های ایرانی دهه اخیر نشان می‌دهند که زیبایی در تفکر هایدگر، نه امری صوری یا ذهنی، بلکه حاصل آشکارگی حقیقت هستی در مکان است. این دیدگاه با نقد رویکردهای فرمالیستی در معماری، زیبایی را به تجربه زیسته، حضور و معنا پیوند می‌زند. در این چارچوب، فضای سکونت‌زایی زیبا فضایی است که امکان درک حقیقت، آرامش و تعلق مکانی را برای انسان فراهم آورد (پورسالی و احمدی، ۱۴۰۱). مطالعات جدید ایرانی با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسانه، مفهوم مکان‌مندی را یکی از ارکان زیباشناسی سکونت

می‌دانند. بر اساس این دیدگاه، مکان زمانی شکل می‌گیرد که سکونت انسانی در آن با خاطره، معنا و حضور همراه باشد. پژوهشگران ایرانی این مفهوم را ابزاری نظری برای تحلیل کیفی فضاهای سکونتی سنتی و نقد فضاهای بی‌هویت معاصر معرفی کرده‌اند (موسوی و رضائی، ۱۴۰۲). پژوهش‌های اخیر ایرانی، سکونت شاعرانه را راهکاری نظری برای عبور از بحران معنا در معماری معاصر معرفی می‌کنند. سکونت شاعرانه به معنای امکان تجربه جهان به‌مثابه امر معنادار است، نه تولید فضا به‌عنوان کالای مصرفی. این رویکرد، زیباشناسی سکونت را به تجربه، تأمل و مواجهه وجودی انسان با مکان پیوند می‌دهد (مرادی، ۱۴۰۲). مولفه‌ها بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته به دو دسته کالبدی و ادراکی تقسیم می‌گردند که هر یک به تفکیک به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۳-۳. مؤلفه‌های کالبدی زیباشناسی سکونت

این مؤلفه‌ها ناظر بر ویژگی‌های عینی، فضایی و سازمان کالبدی هستند که امکان تحقق سکونت اصیل را فراهم می‌کنند. سکونت یکی از عناصر تاثیرگذار عوامل زیبایی می‌باشد. در معماری، زیباشناسی سکونت به عنوان تنها عامل که مورد توجه قرار می‌گیرد نمی‌باشد اما از اینکه نقش بسیار مهم اصلی در طراحی معماری ساختمان های مسکونی دارد شکی در آن نیست.

#### ۱-۳-۱. مکان‌مندی کالبدی

مکان‌مندی در سطح کالبدی به ویژگی‌هایی چون تناسب فضایی، خوانایی، انسجام و هویت فضایی اشاره دارد. پژوهش‌های ایرانی نشان می‌دهند که کالبد معماری زمانی زیباشناختی می‌شود که از حالت «فضای انتزاعی» خارج و به «مکان معنادار» تبدیل گردد (موسوی و رضائی، ۱۴۰۲).

#### ۱-۳-۲. تجلی چهارپوش در سازمان فضایی

چهارپوش در سطح کالبدی از طریق پیوند معماری با زمین (مصالح، بستر)، آسمان (نور، تهویه)، انسان (مقیاس انسانی) و امر قدسی (جهت‌گیری‌ها، سلسله‌مراتب فضایی) متجلی می‌شود. این تجلی، یکی از بنیان‌های زیباشناسی سکونت دانسته شده است (علی‌بیگی و شریفی، ۱۴۰۱).

#### ۱-۳-۳. نظم فضایی و سلسله‌مراتب سکونتی

سلسله‌مراتب فضایی میان فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی، امکان تجربه تدریجی سکونت را فراهم می‌کند و به ساکنان حس امنیت و تعلق می‌بخشد. این نظم فضایی، که در معماری بومی و سنتی ایران، به عنوان پیش‌شرط ادراک زیبایی سکونت شناخته می‌شود؛ زیرا این ساختار فضایی، تجربه‌ای هماهنگ و منطبق بر ارزش‌های فرهنگی ایرانی را برای ساکنان رقم می‌زند (صادقی، ۱۴۰۰).

#### ۱-۳-۴. پیوند با طبیعت و بستر

تعامل کالبد معماری با اقلیم، توپوگرافی، نور و مصالح طبیعی، به‌عنوان مؤلفه‌ای کالبدی در زیباشناسی سکونت مطرح است. هایدگر این پیوند را شرط سکونت اصیل می‌داند و پژوهش‌های ایرانی آن را در معماری اقلیمی ایران برجسته کرده‌اند. این تعامل، تنها به جنبه‌های فنی و عملکردی محدود نمی‌شود، بلکه در عمق خود، به تجربه زیسته انسان و درک او از جهان پیرامونش گره خورده است (رضایی و کاظمی، ۱۳۹۹).

### ۱-۴-۱. مؤلفه‌های ادراکی-تجربی زیباشناسی سکونت

این مؤلفه‌ها به تجربه ذهنی، احساسی و وجودی انسان از فضا مربوط می‌شوند و هسته زیباشناسی سکونت هایدگری را شکل می‌دهند. سکونت به‌عنوان نحوه‌ای از بودن انسان در جهان سرچشمه می‌گیرد.

#### ۱-۴-۱. بودن در جهان (تجربه حضوری فضا)

مهم‌ترین مؤلفه ادراکی، تجربه سکونت به‌مثابه «بودن-در-جهان» است. زیبایی نه در فرم، بلکه در کیفیت حضور انسان در فضا تحقق می‌یابد؛ جایی که انسان خود را در جهان «درخانه‌بودن» احساس می‌کند (کریمی و حسینی، ۱۴۰۰).

### ۱-۴-۲. آشکارگی حقیقت

زیباشناسی سکونت، با حقیقت فضایی پیوند دارد و تجربه‌ای اصیل و معنادار از فضا را می‌طلبد. این رویکرد، که در فلسفه هایدگر نیز جایگاه ویژه‌ای دارد، زیبایی را جلوه‌ای از ظهور حقیقت می‌داند. پژوهش‌های ایرانی، تأکید هایدگر بر ظهور حقیقت از طریق فضا و سکونت را وجه تمایز رویکرد او با زیباشناسی صوری که صرفاً به فرم و ظاهر می‌پردازد می‌دانند و اهمیت معماری را به عنوان فضایی برای تحقق حقیقت زندگی برجسته می‌کنند (پورسالی و احمدی، ۱۴۰۱).

### ۱-۴-۳. سکونت شاعرانه

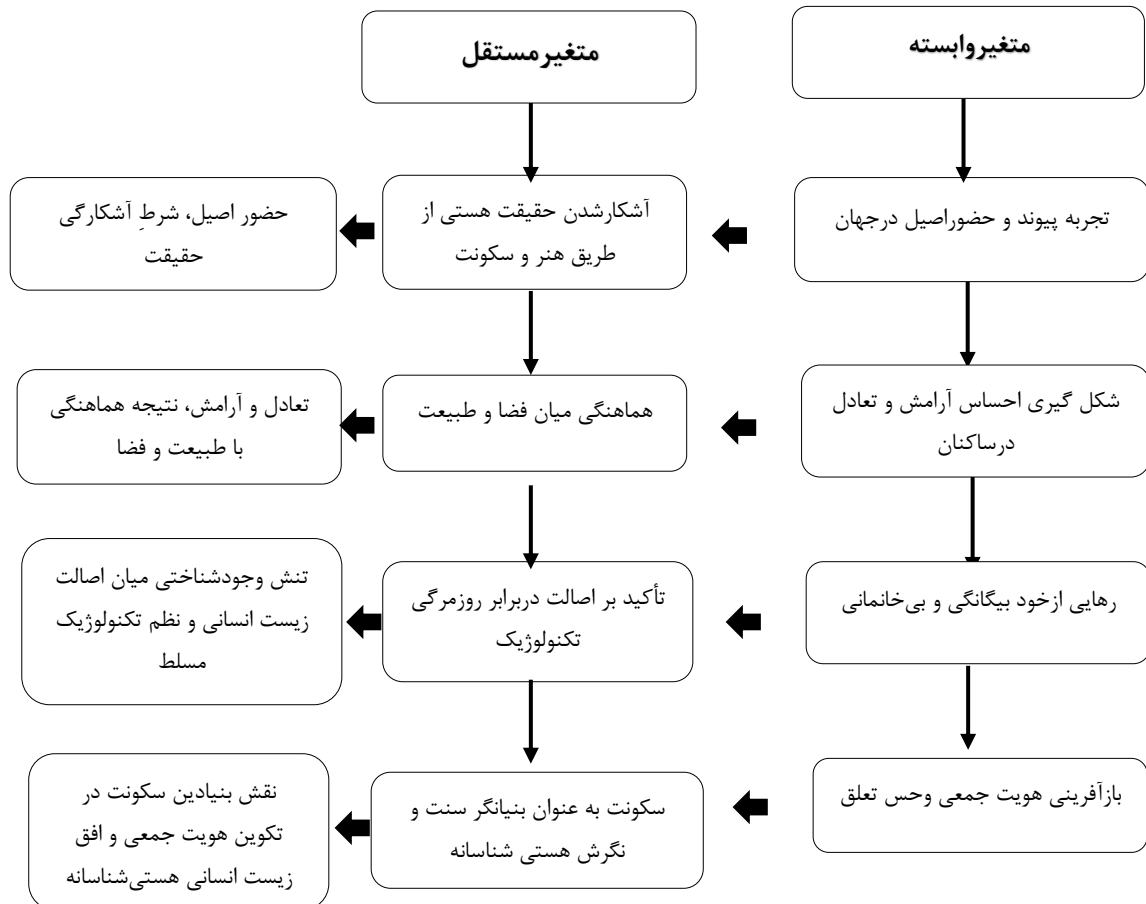
سکونت شاعرانه به تجربه‌ای فراتر از عملکرد اشاره دارد؛ تجربه‌ای آکنده از معنا، تأمل و گشودگی به جهان. مطالعات داخلی این مؤلفه را هسته ادراکی زیباشناسی سکونت معرفی کرده‌اند (بهشتی و کریمی، ۱۳۹۹).

### ۱-۴-۴. تجربه زیسته و حس تعلق

احساس تعلق، آرامش و امنیت وجودی از پیامدهای ادراکی سکونت اصیل است. پژوهش‌های ایرانی نشان می‌دهند که بدون این تجربه زیسته، کیفیت زیباشناختی فضا درک نمی‌شود (جعفری، ۱۳۹۹).

### ۱-۴-۵. نقد ادراک ابزاری و سیطره تکنولوژی

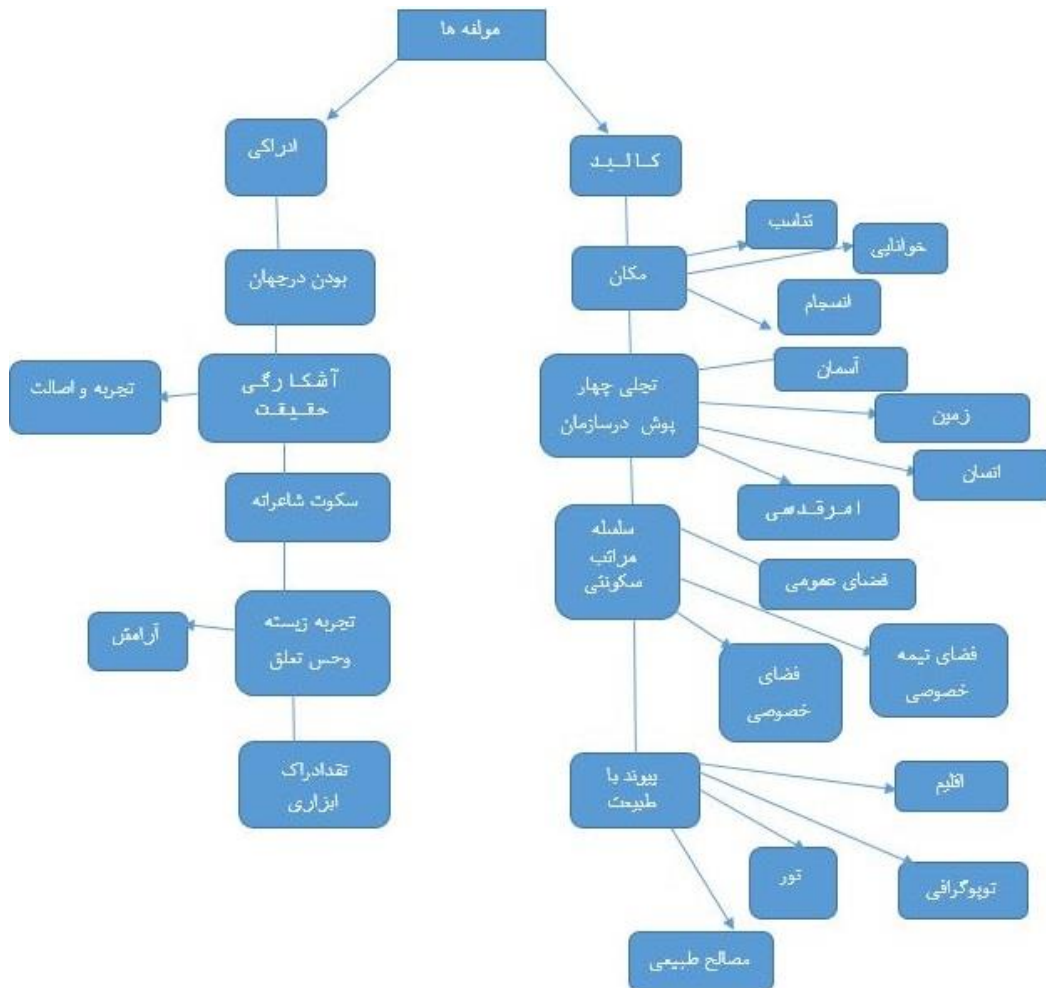
در سطح ادراکی، هایدگر سکونتی را زیباشناختی می‌داند که انسان را از نگاه صرفاً ابزاری به فضا رها سازد. پژوهش‌های ایرانی این مؤلفه را نقد بنیادین معماری تکنولوژی محور تلقی کرده‌اند (مرادی، ۱۴۰۲). در نمودار شماره ۱ مدل مفهومی پژوهشی با توضیح متغیر مستقل و وابسته و روابط بین آن‌ها مشخص شده است.



نمودار ۱. مدل مفهومی براساس متغیرهای وابسته و مستقل

بررسی مفهوم زیباشناسی سکونت از دیدگاه هایدگر در معماری خانه های مسکونی یزد

همچنین مولفه‌ها شامل کالبدی و ادراکی و زیرمجموعه‌های آنها. کالبدی شامل مکان و تجلی چهارپوش و سلسله مراتب سکونت و ادراکی شامل بودن درجهان و آشکارگی حقیقت و سکوت شاعرانه و تجربه زیسته و نقد ادراک ابزاری طبق نمودار شماره ۲ ارائه شده است.



نمودار ۲. روابط بین مولفه‌های کالبدی و ادراکی

## ۲. نمونه موردی

در این بخش به مطالعه‌ی نمونه خانه‌های یزد با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک به تفکیک پرداخته شده است.

### ۲-۱. یافته‌ها

#### ۲-۱-۱. خانه‌های تاریخی یزد در نگاه مارتین هایدگر

اصل درون‌گرایی در خانه‌های یزد، با شکل‌گیری فضاها پیرامون حیاط مرکزی، نوعی تمرکز بر «بودن» به جای «نمایش» را بازتاب می‌دهد؛ امری که با مفهوم هایدگری اصیل بودن سکونت هم‌راستا است. حیاط، به‌عنوان قلب خانه، محل پیوند آسمان، زمین، فانیان و امر قدسی است؛ همان «چهارپوش» که هایدگر آن را بنیاد سکونت می‌داند. عناصری همچون بادگیر، دیوارهای ضخیم خشتی، پایاب و حوض آب نه صرفاً راه‌حل‌های اقلیمی، بلکه تجلی نوعی هم‌باشی با طبیعت هستند. در این معماری، انسان در پی غلبه بر طبیعت نیست، بلکه در هماهنگی با آن سکونت می‌گزیند؛ امری که در اندیشه هایدگر، شرط تحقق سکونت راستین محسوب می‌شود. از این منظر، خانه‌های تاریخی یزد را می‌توان نمونه‌ای برجسته از معماری هستی‌مند دانست؛ معماری‌ای که معنا، خاطره، مکان و سکونت را در یک کلیت زیسته گرد هم می‌آورد و در برابر رویکرد ابزاری و تکنولوژیک معماری معاصر قرار می‌گیرد (حیبی و رفیعیان، ۱۴۰۱). در جدول ۲ به مقایسه و بررسی خانه‌های مسکونی یزد پرداخته شده است.

جدول ۲. مقایسه نمونه‌هایی از خانه‌های مسکونی یزد

منطق انتخاب	مهمترین ویژگی	خانه های مسکونی یزد
طراحی منحصر بفرد	بادگیر ۲ طبقه	خانه آقازاده
وجودموزه آب و اهمیت دادن به آن	ارزش آب	خانه کلاه دوزها
معماری در اوج زیبایی	دوطبقه بودن کلیه فضاخانه	خانه مرتاض
قسمت‌های مختلف و باشکوه خانه	درون‌گرایی همراه با تطبیق اقلیمی	خانه ریسمانیان

۲-۱-۲. خانه تاریخی آقازاده ابرکوه (یزد)

خانه‌ی تاریخی آقازاده در شهر ابرکوه یکی از نمونه‌های برجسته معماری مسکونی در اقلیم گرم و خشک مرکزی ایران است که به واسطه‌ی بادگیر دوطبقه منحصر به فرد خود شناخته می‌شود. این بادگیر با ایجاد اختلاف فشار در ارتفاع‌های مختلف، نقش مؤثری در تهویه طبیعی و تعدیل شرایط حرارتی فضاهاى داخلی ایفا می‌کند. سازمان فضایی بنا به صورت درون‌گرا و حول حیاط مرکزی شکل گرفته و چینش فضاهاى تابستان‌نشین و زمستان‌نشین، پاسخی دقیق به الزامات اقلیمی ارائه می‌دهد. این بنا نمونه‌ای شاخص از پایداری بومی، دانش سنتی تهویه و سازگاری معماری با محیط طبیعی است و امروزه به عنوان میراث معماری ارزشمند منطقه ابرکوه مورد توجه پژوهش‌های دانشگاهی قرار دارد (مرادی و قاسمی، ۱۴۰۰).



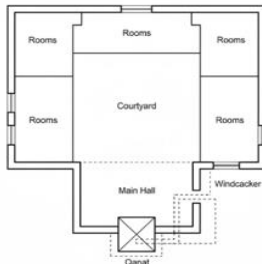
شکل ۱. خانه تاریخی آقازاده ابرکوه - ماخذ: فصلنامه مسکن و محیط روستا (مهدوی‌نژاد و حسینی، ۱۴۰۲)

۳-۱-۲. خانه کلاه‌دوزها

خانه کلاه‌دوزها یکی از خانه‌های تاریخی ارزشمند و شاخص شهر یزد است که در بافت کهن این شهر و در بستری شکل گرفته که ارتباطی عمیق با ساختار زیست‌محیطی و نظام سنتی تأمین آب دارد. این بنا، افزون بر ارزش‌های معماری و کالبدی، از آن جهت اهمیت می‌یابد که در پیوند مستقیم با شبکه قنات و الگوهای بومی سازگاری با اقلیم گرم و خشک یزد شکل گرفته و به عنوان نمونه‌ای برجسته از هم‌نشینی معماری مسکونی و زیرساخت‌های حیاتی آب در شهرهای کویری قابل مطالعه است. سازمان فضایی خانه کلاه‌دوزها همانند بسیاری از خانه‌های سنتی یزد، بر الگوی درون‌گرا و با محوریت حیاط مرکزی استوار است؛ الگویی که در معماری مناطق گرم و خشک ایران، پاسخی خردمندانه به ضرورت‌های اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. از منظر فرهنگی و معنایی نیز، خانه کلاه‌دوزها واجد جایگاهی ویژه است؛ زیرا در آن، آب نه فقط به مثابه عنصری فیزیکی، بلکه به عنوان بخشی از فرهنگ زیست، حافظه جمعی و هویت مکانی حضور دارد. پیوند خانه با قنات، بیانگر درکی عمیق از ارزش آب در زندگی مردمان یزد و نقش آن در شکل‌گیری الگوهای سکونت، مناسبات اجتماعی و شیوه‌های زیست روزمره است. بدین ترتیب، این خانه را می‌توان نمونه‌ای از معماری

بررسی مفهوم زیباشناسی سکونت از دیدگاه هایدگر در معماری خانه های مسکونی یزد

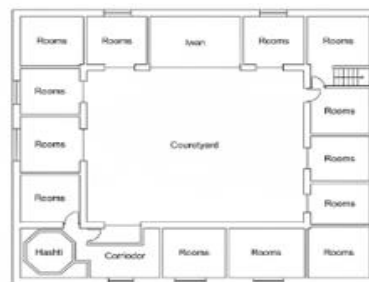
دانست که در آن، عناصر طبیعی و زیرساختی به صورت جدایی ناپذیر با ساختار زندگی انسانی درآمیخته‌اند و معنای سکونت را فراتر از ابعاد صرفاً کالبدی گسترش داده‌اند. بر این اساس، خانه کلاهدوزها را می‌توان نمونه‌ای شاخص از تلفیق هوشمندانه معماری سنتی، دانش بومی آب و پاسخ‌گویی اقلیمی دانست؛ بنایی که در آن، سازمان فضایی، فناوری زیستی و معنای فرهنگی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و تصویری روشن از کیفیت‌های سکوتی در معماری تاریخی یزد ارائه می‌دهند. چنین ویژگی‌هایی سبب می‌شود که این خانه نه تنها از منظر میراث معماری، بلکه از دیدگاه مطالعات مربوط به سکونت، پایداری، حس مکان و تعامل انسان با محیط نیز دارای اهمیت ویژه باشد (رفعیان و حبیبی، ۱۳۹۹).



شکل ۲. خانه کلاهدخد فصلنامه باغ نظر. مهدوی نژاد و منصوریان، (۱۴۰۱)

## ۲-۱-۴. خانه مرتاض

خانه مرتاض نیز از دیگر نمونه‌های شاخص معماری مسکونی درون‌گرای یزد است که در بافت تاریخی شهر شکل گرفته و بر اساس الگوی حیاط مرکزی سازمان‌دهی شده است. این بنا با بهره‌گیری از عناصری چون حیاط مرکزی، ایوان، اتاق‌های تابستان‌نشین و زمستان‌نشین و ورودی غیرمستقیم، پاسخی مناسب به الزامات اقلیم گرم و خشک یزد ارائه می‌دهد. استفاده از مصالح بومی نظیر خشت و گل، ضخامت زیاد دیوارها و مقیاس متناسب فضاها، موجب تعدیل شرایط حرارتی و حفظ حریم خصوصی ساکنان شده است. خانه مرتاض نمونه‌ای گویا از ترکیب فرهنگ سکونت، اقلیم و سازمان فضایی سنتی در خانه‌های تاریخی یزد به‌شمار می‌آید (اکبری و حبیبی، ۱۴۰۰).

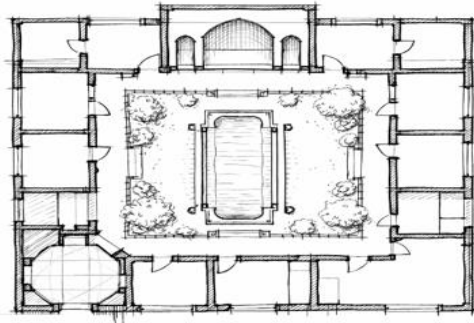


شکل ۳. خانه مرتاض - ماخذ نشریه مسکن و محیط روستا صوفلایی و شکوحیان، (۱۴۰۱)

## ۲-۱-۵. خانه ریسمانیان یزد

خانه تاریخی ریسمانیان معروف به خانه حاج علی‌اکبر ریسمانیان از خانه‌های شاخص مسکونی شهر یزد است که در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول ساخته شده و در محله تاریخی لب خندق واقع است. این خانه نمونه‌ای ارزشمند از تداوم الگوی خانه‌های درون‌گرا در شرایط گذار اجتماعی - فرهنگی ایران از قاجار به پهلوی محسوب می‌شود. این خانه بر اساس الگوی حیاط مرکزی شکل گرفته است. ورود به بنا به صورت غیرمستقیم و از طریق دالان و هشتی انجام می‌شود که علاوه بر تأمین حریم خصوصی، نقش تعدیل اقلیمی دارد. حیاط مرکزی با حوض آب، مرکز ثقل فضایی خانه است و اتاق‌ها و فضاهای اصلی گرداگرد آن سامان یافته‌اند. جبهه

جنوبی و شرقی؛ فضاهای زمستان نشین جبهه شمالی؛ فضاهای تابستان نشین. وجود ایوان ها و اتاق های سه دری و پنج دری به عنوان فضاهای میانابین سازمان فضایی بیانگر سلسله مراتب فضایی و معنایی در خانه های سنتی یزد است (حبیبی، ۲۰۲۴). این سازمان فضایی، افزون بر پاسخ گویی به نیازهای عملکردی و اقلیمی، بازتاب دهنده نظام فرهنگی و شیوه زیست خانوادگی در خانه های سنتی یزد نیز هست. نحوه استقرار فضاها پیرامون حیاط مرکزی، نوعی تعادل میان خلوت، تعامل، آسایش و نظم فضایی ایجاد کرده و کیفیتی معنادار به سکونت بخشیده است. از این رو، خانه ریسمانیان را می توان نمونه ای ارزشمند از پیوند میان معماری درون گرا، سازگاری اقلیمی و تداوم هویت سکونتی در دوره گذار تاریخی دانست.



شکل ۴. خانه تاریخی ریسمانیان - ماخذ فصلنامه باغ نظر مهدوی نژاد و منصوریان، (۱۴۰۱)

## ۲-۲. سکونت از دیدگاه هایدگر

سکونت از دیدگاه هایدگر به معنای پیوند با چهارگانگی زمین، آسمان، فانی ها، خدایان است، نه صرفاً استفاده مکانیکی از فضا. معماری اصیل باید امکان این پیوند را فراهم کند و انسان را از سرگردانی هستی شناسانه نجات دهد. یافته نخست نشان می دهد که هایدگر زیباشناسی به معنای مدرن آن را رد می کند؛ زیرا در این تلقی، هنر به ابژه لذت حسی سوژه انسانی فروکاسته می شود. از نظر هایدگر، این رویکرد سبب می شود اثر هنری تنها از حیث احساس، سلیقه و داوری ذهنی فهم شود و حقیقت وجودی آن پنهان بماند. بر اساس دیدگاه هایدگر، هنر نه وسیله ای برای تولید زیبایی، بلکه رویداد ظهور حقیقت است. اثر هنری جایی است که حقیقت موجودات خود را آشکار می سازد. بنابراین هنر معرفت بخش است حقیقت در هنر روی می دهد، نه اینکه بازنمایی شود یافته مهم دیگر این است که هایدگر اثر هنری را نه شیء صرف می داند و نه ابزار. اثر هنری: نه مصرفی است نه دارای کارکرد ابزاری بلکه ساختاری گشاینده دارد که جهان را پیش روی انسان می گشاید. در تحلیل آثار هنری، هایدگر به رابطه دیالکتیکی میان «جهان» و «زمین» اشاره می کند: «جهان» عرصه معنا، تاریخ و فرهنگ است «زمین» وجه پوشیدگی، مادیت و مقاومت اثر است. یافته پژوهش نشان می دهد که زیبایی اثر هنری حاصل تنش پویای میان جهان و زمین است، نه زینت ظاهری یا هماهنگی صوری. یافته های پژوهش نشان می دهد که زیباشناسی خانه های سنتی یزد مبتنی بر معیارهای صوری یا تزئینی نیست، بلکه از امکان تحقق «سکونت» به عنوان نحوه ای از بودن انسان در جهان سرچشمه می گیرد. در این خانه ها، زیبایی نه به عنوان کیفیتی افزوده، بلکه به مثابه پیامد تجربه سکونت اصیل پدیدار می شود. بر اساس تفسیر پدیدارشناسانه اندیشه هایدگر، آنچه واجد کیفیت زیباشناختی است، امکان را فراهم می کند؛ بدین معنا که فضا انسان را در وضعیت حضور، سکون و تعلق قرار می دهد. در نتیجه، زیباشناسی خانه های یزد ماهیتی وجودی یافته و وابسته به تجربه زیسته ساکن است. تحلیل الگوی فضایی خانه های سنتی یزد نشان می دهد که درون گرایی (حیاط مرکزی، فقدان گشودگی مستقیم به بیرون، سلسله مراتب ورود) نقش اساسی در کاهش تنش های محیطی و روانی ایفا می کند. این سازمان فضایی موجب تمرکز بر فضای درونی و تقویت تجربه حضور در مکان می شود. از منظر هایدگر، چنین فضایی صرفاً عملکردی نیست، بلکه امکان «در-جای-بودن» انسان را فراهم می آورد. یافته ها نشان می دهد که درون گرایی فضایی، از طریق ایجاد آرامش، سکوت و ریتم تدریجی حرکت، یکی از بنیان های اصلی زیباشناسی سکونت در خانه های یزد به شمار می رود. نتایج پژوهش نشان می دهد که عناصر اقلیمی خانه های یزد، از جمله بادگیر، دیوارهای ضخیم، حیاط های فرو رفته و سایه اندازی، فراتر از پاسخ های فنی به شرایط آب و هوایی عمل می کنند. این عناصر، تجربه ای از امنیت، محافظت و پناه بودن خانه را برای ساکن فراهم می آورند. در چارچوب فکری هایدگر، سکونت

با محافظت از انسان در برابر ناپایداری های جهان معنا می یابد. بدین ترتیب، پاسخ های اقلیمی در خانه های یزد به طور مستقیم در شکل گیری معنای وجودی «بودن در خانه» و در نهایت، زیباشناسی سکونت نقش دارند. یافته ها نشان می دهد که استفاده از مصالح بومی نظیر خشت، گل و کاهگل، از طریق رنگ، بافت و کیفیت حرارتی، زمینه ساز تجربه ای حسی و بدن مند از فضا می شود. این مصالح به جای ایجاد فاصله میان انسان و فضا، موجب نزدیکی و صمیمیت ادراکی می گردند. در این چارچوب، زیبایی نه از مشاهده صرف، بلکه از درگیری حواس و بدن با فضا حاصل می شود. بنابراین، زیباشناسی خانه های سنتی یزد را می توان مصداقی از زیباشناسی بدن مند دانست که با رویکرد پدیدارشناسانه هایدگر نیز هم خوانی دارد. تحلیل کیفی نحوه ورود نور به فضاهای داخلی خانه های یزد بیانگر آن است که نور، همراه با سایه، نقش تعیین کننده ای در آشکارسازی ریتم زمانی سکونت ایفا می کند. تغییر تدریجی نور در طول روز، آگاهی انسان از گذر زمان را به شیوه ای آرام و طبیعی ممکن می سازد. از منظر هایدگر، بودن انسان همواره زمانی است و معماری که زمان را قابل زیستن می سازد، واجد کیفیت وجودی و زیباشناختی است. یافته ها نشان می دهد که نور در خانه های یزد صرفاً عنصر روشنایی نیست، بلکه بخشی از تجربه زیبایی سکونت محسوب می شود. یافته ها نشان داد که سازمان فضایی درون گرای خانه های یزد، همراه با سلسله مراتب حرکتی و تمرکز بر حیاط مرکزی، بستری برای شکل گیری آرامش، سکون و حضور وجودی ساکن فراهم می آورد. این ویژگی ها موجب می شود فضا از حالت انتزاعی خارج شده و در پیوند با تجربه انسانی، به «مکان» تبدیل گردد؛ امری که در اندیشه هایدگر شرط اساسی تحقق سکونت اصیل محسوب می شود. از سوی دیگر، پاسخ های اقلیمی معماری سنتی یزد، همچون بادگیرها، دیوارهای ضخیم و نحوه کنترل نور و سایه، فراتر از کارکردهای فنی عمل کرده و نقش اساسی در ایجاد معنای «پناه» ایفا می کنند. این پناه بودگی، احساس امنیت و تعلق را در سطحی وجودی تقویت کرده و به طور مستقیم در شکل گیری کیفیت های زیباشناختی سکونت مؤثر است.

### ۳. نتیجه گیری

معماری اصیل از دیدگاه هایدگر، نه صرفاً عملکردگرا، بلکه فضایی روایت گر است که پیوند انسان با چهارگانگی زمین، آسمان، فانی ها، خدایان را ممکن می سازد و از سرگردانی هستی شناختی جلوگیری می کند. زیباشناسی سکونت در اندیشه مارتین هایدگر، زیبایی را از سطح ظاهر به عمق معنا و حقیقت منتقل می کند. معماری که بر اساس این دیدگاه شکل می گیرد، بستری برای سکونت اصیل انسان فراهم می آورد و امکان «بودن شاعرانه» را محقق می سازد. تایج پژوهش نشان داد که استفاده از مصالح بومی، زمینه ساز شکل گیری نوعی زیباشناسی بدن مند است که در آن، ادراک حسی، لمس، دما و بافت مصالح، بخشی جدایی ناپذیر از تجربه زیبایی محسوب می شوند. بدین ترتیب، زیبایی نه حاصل مشاهده بصری صرف، بلکه نتیجه درگیری فعال بدن انسان با محیط سکونتی است. در این میان، نور و سایه نیز به عنوان مؤلفه هایی مؤثر در آشکارسازی زمان مندی سکونت، نقشی بنیادین در تعمیق تجربه زیباشناختی ایفا می کنند. در مجموع، می توان نتیجه گرفت که خانه های سنتی یزد مصداقی روشن از تحقق «سکونت اصیل» در معنای هایدگری آن هستند؛ سکونتی که در آن، انسان در پیوندی معنادار با زمین، اقلیم و کالبد معماری قرار می گیرد. زیباشناسی سکونت در این خانه ها حاصل برهم کنش میان کالبد معماری، شرایط اقلیمی و تجربه زیسته ساکن است و نه نتیجه مداخله آگاهانه در فرم یا تزئین. نتایج کلی بیانگر آن است که خانه های سنتی یزد بیش از آنکه فضاهایی هندسی باشند، مکان هایی معنادار هستند که خاطره، تعلق و زندگی روزمره را در خود جای می دهند. این مکان مندی حاصل پیوند میان کالبد، تجربه زیسته و معناست. در چارچوب اندیشه هایدگر، مکان زمانی پدیدار می شود که امکان سکونت فراهم گردد. از این رو، زیباشناسی سکونت در خانه های یزد را می توان زیباشناسی «مکان» دانست، نه زیبایی مستقل از زیست جهان انسان. برآیند یافته های پژوهش نشان می دهد که زیباشناسی سکونت در خانه های سنتی یزد، حاصل برهم کنش میان ویژگی های اقلیمی، سازمان فضایی درون گرا، مصالح بومی و تجربه زیسته ساکن است. این برهم کنش، در چارچوب پدیدارشناسی هایدگر، به تحقق سکونت اصیل و معنای وجودی «بودن در خانه» منجر می شود. بدین ترتیب، زیبایی در این خانه ها نه کیفیتی صوری، بلکه امری وجودی و برخاسته از سکونت است. بر اساس این نتایج، بازخوانی معماری سنتی یزد در چارچوب اندیشه هایدگر می تواند به عنوان الگویی مفهومی برای تولید معماری معاصر واجد کیفیت سکونت و معنا مورد توجه قرار گیرد. این پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در رویکردهای رایج زیبایی شناسی معماری تأکید دارد و نشان می دهد که توجه به تجربه زیسته و مفهوم سکونت، می تواند مسیر دستیابی به معماری معنادار و انسانی تر را هموار سازد.

### ۴. منابع فارسی و انگلیسی

- اصلائی، پ.، حبیب، ف و شاهچراغی، آ. (۱۴۰۴). نقش مؤلفه های زیبایی شناسی زیستی در پیش بینی ادراک از کیفیت محیط مسکونی، مورد پژوهی: محلات منتخب شهر سندج ۷ باغ نظر، ۲۲ (۱۴۷)، ۶۷-۸۰.
- ایان دونالد، ت. (۱۳۹۵). زیبایی شناسی هایدگر، ترجمه سید مسعود حسینی، انتشارات ققنوس.

۳. بیگی، ع. و شریفی، ن. (۱۴۰۰). کاربرد مفهوم چهارچوب های دیگر در تحلیل معماری، پژوهش های معماری اسلامی، (۲)، ۱۰۱-۱۲۰.
۴. پورسالی، م. احمدی، ر. (۱۴۰۱). زیبایی به مثابه آشکارگی حقیقت در فلسفه های دیگر و معماری
۵. پور عالی، ک. عبدالکریمی، ب. اسلامی، ش. (۱۴۰۱). هنر و امکان گسست از سوبژکتیویسم از منظر های دیگر، پژوهش های فلسفی هنر، (۲)، ۱۷-۳۶.
۶. چنگیزی، س.، یوسفی راد، س. و کرمانی پور، س. (۱۴۰۱). تبیین مؤلفه های تجربه زیسته فضا در معماری با رویکرد پدیدارشناسی (مطالعه موردی: خانه های تاریخی یزد). دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، (۱۹)، ۳۸-۴۰، ۳۳-۴۰.
۷. حبیبی، س.م.، رفیعیان، م. (۱۴۰۱). تحلیل مفاهیم سکونت و درون گرایی در خانه های سنتی یزد با رویکرد پدیدارشناسی و الهام از اندیشه های دیگر.
۸. سلیمانی، م و مندگاری، ک. (۱۳۹۵). زیبایی شناسی خانه سنتی ایرانی: باز شناسایی مؤلفه های زیبایی بر اساس تئوری برخاسته از زمینه (نمونه پژوهشی)
۹. شایگان، س. ع. و قبادیان، و. (۱۳۹۲). تبیین مفهوم سکونت از دیدگاه مارتین هایدر و تأثیر آن بر معماری، فصلنامه هویت شهر، سال ۷، دوره ۱۳.
۱۰. شیرازی، م. ر. (۱۳۹۳). جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط، فصلنامه آرمانشهر.
۱۱. صادقی. (۱۴۰۰). سکونت و سلسله مراتب فضایی در معماری بومی ایران، معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، (۱۱)، ۲۷-۴۶.
۱۲. صادق احمدی، م. و دهقان، م. (۱۴۰۰). سیر تحول ساختار فضایی خانه های درونگرایی یزد از دوره قاجار تا پهلوی اول، مؤسسه آموزشی عالی امام جواد (ع).
۱۳. صافیان، م. ج. انصاری، م. (۱۳۹۳). بررسی شرایط امکان تحقق حقیقت مکان و سکنی گزیدن، پژوهش های هستی شناخت. سامانه نشریات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دوره ۳، شماره ۶، اسفند ۱۳۹۳، صفحه ۷۶-۵۷.
۱۴. صوفلایی، فریبا، و شکوچیان، م. (۱۴۰۱). تحلیل عملکرد بادگیرها در خانه های حیاطدار ایران، نشریه مسکن و محیط روستا، (۲)، ۴۰.
۱۵. طاهری، ج. (۱۳۹۲). بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری، فصلنامه مطالعات معماری ایران. (۱۹).
۱۶. غفاری، ع. (۱۳۷۳). سازمان های فضایی در معماری شهرهای سنتی ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی. دوره ۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۴، شهریور ۱۳۷۳.
۱۷. کریمی، م. و حسینی، س. م. (۱۴۰۰). خوانش هستی شناسی مفهوم سکونت در اندیشه های دیگر و دلالت های آن برای معماری معاصر
۱۸. کریمی، م. حسینی، س. م. (۱۴۰۰). سکونت اصیل در اندیشه های دیگر و نقد معماری معاصر.
۱۹. مصطفوی. ش. (۱۴۰۱). چگونگی مواجهه های دیگر با هنر مدرن. دو متافیزیک، (۳۲)، ۱۳-۱۵۵، ۱۷۱-۱۸۵.
۲۰. مرادی، م. و قاسمی، م. (۱۴۰۰). تحلیل عملکرد اقلیمی بادگیرها در معماری بومی ایران، فصلنامه مسکن و محیط روستا، (۱)، ۴۰-۱، ۱۸-۱.
۲۱. مرادی، ع. (۱۴۰۲). سکونت شاعرانه و بحران معنا در معماری معاصر.
۲۲. معینی، س. م.، قرائی، ع و شریفی، م. (۱۳۹۳). بررسی سکونتگاههای مسکونی از لحاظ کالبدی- ارزش فضا، نمونه موردی خانه اخوان سیگاری، اولین همایش ملی معماری مسکونی.
۲۳. موسوی، ح. رضائی، ا. (۱۴۰۲). مکان مندی و زیباشناسی سکونت با رویکرد پدیدارشناسی.
۲۴. موسوی، ح. و رضائی، ا. (۱۴۰۲). مکان مندی و تجربه زیسته در سکونت، مطالعات معماری ایران.
۲۵. مهدوی نژاد، م. حسینی، س. ب. (۱۴۰۲). تحلیل عملکرد اقلیمی بادگیرها در معماری بومی ایران، ماخذ: فصلنامه مسکن و محیط روستا، (۱)، ۴۰-۱، ۱۸-۱.
۲۶. مهدوی نژاد، م. و منصوریان، س. (۱۴۰۱). الگوی فضایی و اقلیمی خانه های تاریخی ایران، فصلنامه باغ نظر، (۹۶)، ۳۵-۴.
۲۷. مهدوی نژاد، م. و منصوریان، س. (۱۴۰۱). خوانش سازمان فضایی حیاط در خانه های تاریخی ایران، فصلنامه باغ نظر، (۹۶)، ۱۹، ۹۶.
۲۸. نقابچی، م. و کریمی، م. (۱۳۹۹). زیباشناسی سکونت در معماری با تأکید بر اندیشه های مارتین هایدر. فصلنامه پژوهش های معماری و شهرسازی، (۲)، ۱۲.
۲۹. نقره کار، ع. (۱۳۹۲). رابطه انسان با طبیعت و معماری.
۳۰. وثوق، ع. صحاف، م. خ. (۱۳۹۸). در جستجوی الگوی معماری برگرفته از اندیشه مارتین هایدر، ششمین کنگره ملی عمران، معماری و توسعه شهری.
۳۱. هایدر، م. (۱۳۹۴). سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، چاپ ششم، تهران: هرمس.

## Studying the concept of the aesthetics of residence from Heidegger's perspective in the architecture of residential houses in Yazd

Shohreh Mohammad Alizadeh<sup>۱</sup>, Mahsa Mirsalami<sup>۲</sup>, Elaheh Sadat Hashemi<sup>۳</sup>

### Abstract

Aesthetics in Martin Heidegger's thought creates a fundamental break from traditional perceptions based on subjectivism and individual taste and opens a new horizon in understanding the work of art by linking art and beauty to the issue of existence. The aim of this research is to explain the main components of aesthetics from Heidegger's perspective and to examine the position of art as a way of developing the truth of existence. The research method is qualitative and based on an analytical-interpretive approach that was carried out using the study of Heidegger's main texts, especially Being and Time, the origin of the work of art and other related works, as well as reliable interpretive sources. The data were collected through conceptual recording and analyzed with a hermeneutic approach. The findings of the research show that Heidegger interprets beauty not as a formal characteristic or something dependent on subjective perception, but as the result of the "emergence of truth" in a work of art. In this framework, art is a place of conflict and tension between the "world" and the "earth," and the work of art, by opening up a meaningful world, enables human habitation in existence. From Heidegger's perspective, beauty is the result of this ontological openness and not the ultimate goal or criterion of art. The research also shows that Heidegger's aesthetics, by criticizing classical metaphysics and modern anthropocentrism, leads to an existential understanding of the experience of beauty. The conclusion of the research indicates that Heidegger's aesthetics offers a fundamental model for rethinking the concept of art and beauty that can be inspiring in areas such as architecture, housing, and contemporary arts. This approach defines beauty in a deep connection with truth, place, and the way of being of humans in the world, and in this way, opens a new horizon for interdisciplinary research in philosophy and art.

**Keywords:** Aesthetics of Dwelling, Martin Heidegger, Poetic Dwelling, Placemaking, Phenomenology of the Architect

<sup>۱</sup>Master of Architecture, Department of Civil Engineering and Architecture, Faculty of Engineering and Technology, Raja University, Qazvin, Iran

<sup>۲</sup>Assistant Professor, Raja University, Qazvin, Iran

<sup>۳</sup>Assistant Professor, Raja Univer